رویش روان شناسی، سال۱۰، شماره۱۱، شماره پیاپی ۶۸، بهمن ۱۴۰۰
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),10(11), 2022

نقش تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی در پیش‌بینی درماندگی آموخته شده در دختران با تجربه فرار از خانه

The Role of Perceived Gender Discrimination and Identity Styles in Predicting Learned Helplessness in Girls Experiencing Home Running

محسن رفیعی (نویسنده مسئول)
کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
مژگان عباسی
دانشجو دکترا، روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران.
معصومه راوند
کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه ملایر، ایران.
علی کشمیری
کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، ایران.

Mohsen Rafie *
M.Sc., Clinical Psychology, Semnan University, Semnan, Iran.
mohsenrafie.r.m@gmail.com
Mozhgan Abbasi
PhD Student, General Psychology, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran.
Masomeh Ravand
M.Sc., General Psychology, Malayer University, Iran.
Ali Keshmiri
M.Sc., Clinical Psychology, Islamic Azad University, Birjand Branch, Iran.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک-های هویتی در پیش‌بینی درماندگی آموخته شده در دختران با تجربه فرار از خانه بود. این پژوهش به لحاظ روش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش دختران مراجعه‌کننده به مراکز نگهداری و سرپناه شبانه منطقه ۱۲ (محله شوش) شهر تهران در سه ماهه اول سال ۱۴۰۰بودند که از میان آن ها تعداد ۱۲۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه درماندگی آموخته شده (LHS) (کوییلس و نلسون، ۱۹۸۸)، پرسش‌نامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی (**SSE**) (کلونوف و لندرین، ۱۹۹۵) و پرسشنامه سبک هویت (**ISI**) (برزونسکی، ۱۹۹۲) بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی همزمان استفاده شد. یافته‌ها نشان داد تبعیض جنسیتی ادراک شده (رویدادهای تبعیض‌آمیز در یک سال گذشته و در طول عمر) و سبک هویت سردرگم/ اجتنابی با درماندگی آموخته شده رابطه مثبت و معنادار و سبک‌های هویت هنجاری، اطلاعاتی و تعهد هویت با درماندگی آموخته شده رابطه منفی و معنادار داشتند (P<۰/۰۵). همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که رویدادهای تبعیض‌آمیز در طول زندگی، رویداد تبعیض‌آمیز در طول یک سال گذشته، سبک هویتی اطلاعاتی، سبک هویتی هنجاری و سبک هویتی اجتنابی/سردرگم ۰/۵۲ درماندگی آموخته شده را پیش‌بینی می‌کنند. با توجه به تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی در پیش‌بینی درماندگی آموخته شده در دختران با تجربه فرار از خانه، اجرای کارگاه‌های آموزشی بر مبنای این مفاهیم به خانواده‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: *تبعیض جنسیتی ادراک شده، سبک‌های هویتی، درماندگی آموخته شده، دختران، فرار از خانه*

Abstract

The aim of this study was to investigate the role of perceived gender discrimination and identity styles in predicting learned helplessness in girls experiencing home run. This research was descriptive and correlational. The statistical population of the study was girls referring to night care centers and shelters in Tehran, District 12 (Shoosh neighborhood) in the first quarter of 1400, from which 120 people were selected by purposive sampling. Research instruments included the Learned Helplessness Questionnaire (LHS) (Quinless & Nelson, 1988), the Gender Discrimination Incident Questionnaire (SSE) (Klonoff& Landrine, 1995), and the Identity Style Questionnaire (ISI) (Berzonsky, 1992). Pearson correlation test and simultaneous linear regression were used to analyze the data. Findings showed perceived gender discrimination (discriminatory events in the past year and throughout life) and confused/avoidant identity style with learned helplessness. A positive and significant relationship and normative, informational, and identity styles with helplessness. Learners had a negative and significant relationship (P <0.05). Also, the regression results showed that discriminatory events during life, discriminatory events during the past year, information identity style, normative identity style, and avoidant/confused identity style 0.52 predict learned helplessness. Given the perceived gender discrimination and identity styles in predicting the learned helplessness learned in girls with experience of running away from home, it seems necessary to conduct workshops based on these concepts for families.

Keywords: *Perceived Gender Discrimination, Identity Styles, Learned Helplessness, Girls, Running Home*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : مرداد ۱۴۰۰** **پذیرش: شهریور ۱۴۰۰** **ویرایش نهایی: بهمن ۱۴۰۰**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.14.4]

مقدمه

فرار دختران از خانه اگر چه در نگاه اول پدیده‌ای فردی است، اما منجر به اختلال و آشفتگی در نظم اجتماعی می‌شود و منشاء بسیاری از رفتارهای ضداجتماعی و انحرافی در جامعه است (ادینبورد و سائیویس[1]، ۲۰۰۹). فرار از خانه دختران را در معرض آسیب‌های جدی روانی و جسمی قرار می‌دهد، همچنین در صورت عدم انجام اقدامات مؤثر برای حل آن بخشی از نیروی کار، تولید جامعه و سلامت جسم و روان تعداد قابل توجهی از مادران فردای جامعه از دست خواهد رفت (هاشمی، فاطمی‌امین و فولادین، ۱۳۹۰). از جمله اثراتی که در نتیجه فرار از خانه می‌تواند در دختران ایجاد شود مشکلات روان‌شناختی است که در این پژوهش درماندگی آموخته شده[2] در ارتباط با این آسیب مورد توجه قرار گرفته است. به عبارتی بعد از یک سری تجربه که در آن پاسخ‌های فرد در نتیجه رفتارش تغییر نمی‌کند، فرد می‌آموزد که رفتار و نتیجه رفتار او از یکدیگر مستقل هستند و افرادی که در شرایط آزارنده کنترل‌ناپذیر قرار می‌گیرند، می‌آموزند که هیچ عملی از سوی آنها به تعدیل یا رفع شرایط نامطلوب کمکی نمی‌کند (سادرلند، سینق، سادرلند، کونروی و استیچتر[3]، ۲۰۰۴). با درک این امر که پیامد به رفتار وابسته نیست، از هر نوع تلاشی دست می‌کشند. این اجتناب از حل مسئله‌محور چالش‌ها می‌تواند با بروز رفتارهای پرخطری همچون فرار از خانه همسو باشد (آمس[4]، ۱۹۹۰).

تجربیاتی که افراد در مورد وقایع غیرقابل کنترل دارند، می‌توانند منجر به درماندگی آموخته شده و آن نیز منجر به نقایص عاطفی (غمگینی، اضطراب، خصومت و عزت‌نفس پایین) شود. درماندگی آموخته شده در مفهوم کلی به معنای درک کنترل‌ناپذیر بودن رویدادها و معرف منفی‌ترین حالت درک از خود است. این یادگیری به طور فعال در انتظار و واکنش افراد برای عمل بعدی اثر می‌کند به گونه‌ای که شخص معقولانه شرایط سخت را می‌پذیرد و هیچ تلاشی برای رهایی نمی‌کند؛ حتی یادگیری‌های بعدی او نیز با شکست مواجه می‌شود (لندری، گیفورد، میلفونت، ویکس و آرنوکی[5]، ۲۰۱۸). به طور معمول درماندگی آموخته شده عبارت است از تهدید نسبت به احساس کنترل فرد که اغلب فعالیت شدیدی را به قصد بازیابی کنترل به وجود می‌آورد (فیلیپلو، هارینگتون، کاستا، بوزایی و سورنتی[6]، ۲۰۱۸). مطالعات مختلف به رابطه میان درماندگی آموخته شده و رفتارهای پرخطر اشاره کرده‌اند (آمس، ۱۹۹۰؛ سادرلند و همکاران، ۲۰۰۴). یکی از رفتارهای پرخطر که مورد توجه ویژه در نوجوانان دختر است فرار از منزل است. مطابق با بررسی‌هایی که انجام شده است این افراد از منابع حمایتی و رویارویی کمتری برخوردارند. همچنین میزان عوامل تنیدگی‌زا در دختران فراری بیشتر از دختران عادی وجود دارد. شیوه‌ای که دختران فراری برای مواجهه با مشکل‌های خود به کار می‌برند بیشتر، شیوه‌های ناکارآمد هیجان‌مدار است و حساسیت هیجانی و روان‌رنجورخویی و اضطراب از ویژگی‌های بارز شخصیت آنها است (قلی‌زاده، بخشی‌پور، پورودسری و باباپورخیرالدین، ۱۳۸۶). وجود روان‌رنجوری و حساسیت‌های هیجانی از ویژگی بارز افراد دچار درماندگی آموخته است (لندری و همکاران، ۲۰۱۸). زیرا در این افراد نیز حل مسئله‌محور مسایل مختل شده و افراد با حالات هیجانی منفی از هر موقعیتی خصوصا شرایطی که در آن آسیب زیادی را متحمل شده‌اند انتظار شکست دارند (فیلیپلو و همکاران، ۲۰۱۸). با توجه به آنچه مطرح شده است توجه به عوامل مؤثر بر درماندگی آموخته شده در دختران نوجوانی که خانه را محیط آسیب قلمداد می‌کنند اهمیت دارد؛ از این‌رو با توجه به اینکه در ایران فرار دختران از خانه در سال‌های اخیر رو به افزایش است در این پژوهش نقش تبعیض جنسیتی ادراک شده[7] و سبک‌های هویتی[8] در ارتباط با درماندگی آموخته شده در نوجوانان دختر مورد بررسی قرار گرفته است.

ساختن هویت جنسیتی یک فرآیند پیچیده است که عوامل بیولوژیکی، فرهنگی و روانی اجتماعی در آن دخالت دارند (بم[9]، ۱۹۸۱). تبعیض به عنوان یک پدیده اجتماعی ساختاریافته تعریف شده است که امتیازاتی را برای اعضای گروه‌های غالب و هزینه‌هایی برای سایر گروه‌ها در بردارد (کارلینر، سروت، گوردون و هسین[10]، ۲۰۱۷). نگرش‌های جنسیتی به ارزیابی‌های منفی مبتنی بر جنسیت اشاره می‌کند

1 Edinburgh & Saewyc
2 Learned helplessness
3 Sutherland, Singh, Sutherland, Conroy & Stichter
4 Ames
5 Landry, Gifford, Milfont, Weeks & Arnocky
6 Filippello, Harrington, Costa, Buzzai & Sorrenti
7 Perceived gender discrimination
8 Identity styles
9 Bem
10 Carliner, Sarvet, Gordon & Hasin

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.14.4]

که نابرابری‌های بین مردان و زنان را القا می‌کند. تبعیض جنسیتی ادراک‌شده معمولا به عنوان بازتاب خصومت نسبت به زنان مفهوم‌سازی شده است (نلسون[۱]، ۲۰۰۹). تبعیض جنسیتی به عنوان مجموعه‌ای از نگرش‌ها درباره زنان است که تصورات غالبی و نقش‌های محدودی برای زنان در نظر می‌گیرد و باعث تسلط مردان و تثبیت نگاه سنتی به زنان می‌شود (گلایک و فیسک[۲]، ۱۹۹۶). یافته‌های پژوهش‌ها حاکی از ارتباط تبعیض با کاهش سلامت و بهزیستی روان‌شناختی (پری، هارپ و اوسر[۳]، ۲۰۱۳؛ پاسکو و اسمارت ریچمن[۴]، ۲۰۰۹؛ ویجود و راچون[۵]، ۲۰۲۰؛ یعقوبی هشجین و الهی، ۱۳۹۲)، خودکارآمدی (کربلایی و کرمی، ۱۳۹۸)، سخت‌رویی روان‌شناختی (بیگم‌موسوی، نعلبندیان ابهر، ایوبلو و یوسفیان، ۱۴۰۰)، سبک‌های مقابله‌ای (سانچز، اسمیت و آدامس[۶]، ۲۰۱۸؛ ازادین و پویرازلی[۷]، ۲۰۲۰) و افزایش افسردگی (کانو[۸] و همکاران، ۲۰۲۱) است. افرادی با تبعیض جنسیتی ادراک شده استقلال کمتری در تصمیم‌گیری دارند و در نتیجه این افراد در مواجهه با چالش‌ها توانایی رویارویی ندارند و به آسانی دچار مشکلات روان‌شناختی می‌شوند(پری، هارپ و اوسر[۹]، ۲۰۱۳). این‌رو می‌توان گفت که عدم توانایی مواجهه با چالش‌ها می‌تواند منجر به درماندگی آموخته شده در افراد شود و با توجه به اینکه این افراد به شیوه هیجان‌مدار به چالش‌ها واکنش نشان می‌دهند احتمال بروز رفتارهای پرخطر در آنها افزایش می‌یابد(آمس، ۱۹۹۰؛ سادرلند و همکاران، ۲۰۰۴). متغیر دیگر مورد بررسی در این پژوهش سبک‌های هویتی است. رشد نامناسب هویت موجب عدم توانایی در تصمیم-گیری‌های مهم، مشکلات رفتاری، شکست‌های پیاپی تحصیلی، سوءمصرف مواد و همچنین عدم توانایی در برقراری ارتباط صحیح با دیگران می‌شود. اریکسون[۱۰] (۱۹۶۵) معتقد بود افرادی که به هویتی قوی دست می‌یابند، برای رویارویی با مسایل بزرگسالی آماده می-شوند و افرادی که نمی‌توانند به چنین هویتی دست یابند، بحران هویت را تجربه می‌کنند. چنین افردی نمی‌دانند به کجا تعلق دارند یا می‌خواهند به کجا بروند در نتیجه ممکن است از مسیر بهنجار زندگی، تحصیل، شغل و ازدواج کناره‌گیری کنند (اسزابو و وارد[۱۱]، ۲۰۲۰). جدیدترین نظریه مربوط به هویت که مبنای نظری این پژوهش، نظریه سبک‌های هویت برزونسکی[۱۲] است. در این نظریه الگوی شناختی -اجتماعی[۱۳] مطرح می‌شود که در آن به تفاوت‌های افراد در استفاده از فرآیند شناختی -اجتماعی، تصمیم‌گیری و حل مساله، مواجه با مشکلات، درگیری با تکالیف و برخورداری از سلامت عمومی شناختی پرداخته است (کروگر[۱۴]، ۲۰۱۰). بر اساس این الگو، سه سبک هویت اطلاعاتی[۱۵]، هنجاری[۱۶]، سردرگم/ اجتنابی[۱۷] مشخص می‌شود. افراد با سبک هویت اطلاعاتی در برخورد با مشکلات بر اساس دلایل، سنجیده عمل کرده و راه‌حل‌های متعددی را مورد بررسی قرار می‌دهند و از این رو شاید بتوان این سبک هویتی را به عنوان سبک هویتی برتر در نظر گرفت. افراد با سبک هویتی هنجاری، با مسایل هویتی و موقعیت‌های تصمیم‌گیری از طریق همنوایی با رهنمودها و تجربیات افراد مهم در زندگی مواجه می‌شوند. این افراد در برابر ناهماهنگی دارای تحمل پایینی بوده و به ساخت و شناخت-های وابسته متکی هستند. آن ها ارزش‌ها و باورهایی را درونی می‌کنند که دقیقا مورد پردازش و ارزیابی قرار نگرفته و با دقت جوانب آنها بررسی نشده است. سبک سردرگم/ اجتنابی در افرادی دیده می‌شود که تمایلی به رویارویی با مشکلات شخصی و مسایل مربوط به هویت و حل آنها ندارند. این افراد در تصمیم‌گیری‌های خود تعلل می‌ورزند، این‌گونه افراد به طور مداوم رفتارها و اعتقاداتشان را بدون تجدیدنظر توسط ساختار هویتی خود، با تقاضا و دستاوردهای رایج اجتماعی منطبق می‌سازند (برزونسکی، ۲۰۰۸؛ گلابی و قادری، ۱۳۹۶). نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داده است که سبک‌های هویتی با درماندگی آموخته شده (گلابی و قادری، ۱۳۹۶؛ اسزابو و وارد[۱۸]،

1 Nelson
2 Glick & Fiske
3 Perry, Harp & Oser
4 Pascoe & Smart Richman
5 Vigod & Rochon
6 Sanchez, Smith & Adams
7 Ezzedine & Poyrazli
8 Cano
9 Perry, Harp & Oser
10 Ericsson
11 Szabó & Ward
12 Berzonsky
13 Cognitive-social pattern
14 Kroger
15 Informational
16 Normative
17 Confused / Avoiding
18 Szabo & Ward

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.14.4]

۲۰۱۵)، سلامت روان (زمانی، هادیان و گرجی، ۱۳۹۹؛ شمس اسفندآباد، کاکاوند و ترابی، ۱۳۹۰)، سلامت عمومی (حسین‌شرقی و میرهاشمی، ۱۳۹۵) و سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت با بهزیستی روان‌شناختی (طاهری، یاریاری، صرامی و ادیب‌منش، ۱۳۹۲؛ رحیمی‌نژاد، رحیمی جعفری و سلامتی، ۱۳۹۴)، پریشانی روانی (وزیری و لطفی کاشانی، ۱۳۹۱) و عزت‌نفس بالا (حسین‌زاده و سپاه‌منصور، ۱۳۹۰؛ تنهای رشوانلو، کرامتی و سعادتی شامیر، ۱۳۹۱)، سبک‌هویتی سردرگم/ اجتنابی با خودمختاری هیجانی و عزت‌نفس پایین و واکنش‌های افسردگی روان‌رنجوری بالا (برزونسکی و کاک[1]، ۲۰۰۵) رابطه دارند.

افراد در هر مرحله از زندگی با بحران‌های متفاوتی مواجه می‌شوند. دوران نوجوانی به دلیل واکنش‌های هیجانی خاص این دوره می‌تواند آسیب‌های بیشتری را برای نوجوانان ایجاد کند. با توجه به اینکه دوره نوجوانی با افزایش انرژی در انجام کارها و احساس کنترل بیشتر بر امورات همراه است و نوجوان خود را فراتر از آن‌چیزی که کارآمدی برای آن دارد در نظر می‌گیرد وقتی با چالش‌هایی مواجهه می‌شود که از عهده حل آنها برنمی‌آید دچار احساس درماندگی می‌شود. زندگی کردن در خانواده‌ای که سلامت روانشناختی نوجوان را تهدید می‌کنند مانند تبعیض‌های جنسیتی از سوی خانواده و عدم کارآمدی خانواده در اتخاذ سبک‌های هویتی سالم می‌تواند با درماندگی آموخته شده در فرزندان و بروز رفتارهای پرخطری همچون فرار از خانه همراه باشد. دختران به دلیل ویژگی‌های روانشناختی خاص خود در این دوره بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند که بروز واکنش هیجانی فرار از خانه می‌تواند ناشی از احساس عدم کارآمدی باشد که در خانه درک کرده است و فرد با درماندگی از شرایط به دنبال شرایط بهتر خانه را ترک می‌کند. فرار از خانه توسط دختران آسیب‌های جبران‌ناپذیری به فرد و جامعه وارد می‌کند. از این‌رو با توجه به اهمیت موضوع فرار دختران از خانه و افزایش آمار دختران فراری که از سوی خانه‌های امن و مراکز نگهداری اعلام می‌شود، هدف از انجام این پژوهش حاضر بررسی نقش تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی در پیش‌بینی درماندگی آموخته شده در دختران با تجربه فرار از خانه است.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی_همبستگی است. جامعه آماری پژوهش دختران مراجعه‌کننده به مراکز نگهداری و سرپناه شبانه منطقه ۱۲ (محله شوش) شهر تهران در سه ماهه اول سال ۱۴۰۰بودند که از میان آنها تعداد ۱۲۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: قرار گرفتن در محدوده سنی ۱۵ تا ۲۰ سال، عدم اعتیاد به مصرف مواد مخدر و داروهای روان‌گردان، تجربه فرار از خانه که در فرم خود اظهاری و گزارش مددکار مراکز به آن اشاره شد، عدم ابتلا به مشکلات جسمی و حرکتی و علاقه و رضایت برای شرکت در پژوهش. ملاک خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه همکاری در روند پژوهش بود. پس از اطمینان به افراد شرکت‌کننده در پژوهش در خصوص محرمانه بودن اطلاعات آنها، سپس پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار شرکت‌کنندگان پژوهش قرار گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه درماندگی آموخته شده[2] (LHS): این مقیاس به وسیله کوییلنس و نلسون[3] (۱۹۸۸) طراحی و دارای ۲۰ گویه است. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۴ درجه‌ای (کاملا مخالفم=۱ تا کاملا موافقم=۴) است. کوینلس و نلسون اعتبار این پرسشنامه را ۰/۷۹ و پایایی آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند. با ارزیابی این پرسشنامه با مقیاس افسردگی بک[4] ضریب همبستگی این مقیاس ۰/۲۵، با مقیاس عزت‌نفس اسمیت[5] ۰/۶۲ و پایایی آن ۰/۸۵ گزارش شد. همچنین روایی سازه این مقیاس در پژوهش کوییلنس و نلسون (۱۹۸۸)، از طریق تحلیل عاملی بررسی گردید که نتایج، حاکی از وجود پنج عامل بود: سه عامل اول که در مجموع ۰/۴۵ از کل واریانس را تبیین می‌کردند، مربوط به مؤلفه‌های درونی-بیرونی، کلی- اختصاصی و باثبات -بی‌ثبات بودند. در پژوهش میرنسب و قره‌آغاجی (۱۳۹۴) این پرسشنامه مورد هنجاریابی قرار گرفت و پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ محاسبه شده است. همچنین در پژوهش میرنسب و قره‌آغاجی (۱۳۹۴) ضرایب همبستگی بین سؤالات پرسشنامه با به

1 Kuk
2 Learned Helplessness Questionnaire
3 Quinless & Nelson
4 Beck
5 Smit

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.14.4]

کارگیری آزمون کایرزمایر اولکین و آزمون کرویت بارتلت به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۳۲ محسابه شده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ محاسبه شده است.

پرسش‌نامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی[1] (SSE): این پرسشنامه توسط کلونوف و لندرین[2] (۱۹۹۵) طراحی شده و دارای ۲۰ گویه است. شیوه نمره‌گذاری پرسش‌نامه به صورت طیف لیکرت ۶ درجه‌ای (هرگز اتفاق نیفتاده=۱، تقریبا همیشه اتفاق افتاده است=۶) است. کلونوف و لندرین (۱۹۹۵) ضریب آلفای کرونباخ را برای مقیاس‌های رویدادهای تبعیض‌آمیز طول زندگی و سال گذشته به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۹۰ گزارش کردند و پایایی پرسش‌نامه به روش دو نیمه کردن را برای این مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۳ به دست آوردند. این پرسشنامه توسط یعقوبی هشجین و همکاران (۱۳۹۲) هنجاریابی شده و پایایی آن با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ محاسبه شده است. همچنین در پژوهش یعقوبی هشجین و همکاران (۱۳۹۲)، روایی سازه نسخه فارسی پرسشنامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی به روش تحلیل عاملی اکتشافی و همبستگی بین خرده مقیاس‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون میزان کفایت نمونه‌برداری برای مقیاس طول زندگی ۰/۹۲ و برای مقیاس سال گذشته ۰/۹۱ و آزمون بارتلت ۰/۳۳ محاسبه شده است. در پژوهش حاضر نیز، پایایی این پرسش‌نامه بر حسب ضریب آلفای کرونباخ برای دو مؤلفه رویدادهای تبعیض‌آمیز سال گذشته ۰/۸۵ و رویدادهای تبعیض-آمیز طول زندگی ۰/۸۹ محاسبه شد.

پرسشنامه سبک هویت[3] (ISI): این پرسشنامه توسط برزونسکی (۱۹۹۲)، طراحی و دارای ۴۰ گویه است. این پرسشنامه دارای ۴ مؤلفه، هنجاری، سردرگم/اجتنابی و تعهد هویت است. لازم به ذکر است که این پرسشنامه سه سبک هویتی را می‌سنجد و تعهد هویت برای تحلیل ثانویه استفاده می‌شود و یک سبک هویتی محسوب نمی‌شود و تنها تعهد فرد را در هنگام اجرای پرسشنامه مورد سنجش قرار می‌دهد. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملا مخالف=۱ تا کاملا موافق=۵) است و گویه‌های ۹، ۱۲، ۱۵ و ۳۹ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. برزونسکی (۱۹۹۲)، همسانی درونی این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس اطلاعاتی ۰/۶۲، هنجاری ۰/۶۶ و سردرگم/اجتنابی ۰/۷۳ گزارش کرده است. همچنین در پژوهش برزونسکی (۱۹۹۲)، روایی سازه برای سبک اطلاعاتی، هنجاری، گسیخته-اجتنابی به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ گزارش شد. در پژوهش غضنفری (۱۳۸۳)، که این پرسشنامه مورد هنجاریابی داخلی قرار گرفته است پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای مؤلفه اطلاعاتی ۰/۸۱ ، هنجاری ۰/۸۵ و سردرگم/اجتنابی ۰/۸۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی این پرسشنامه برای سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی و تعهد هویت به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۳، ۰/۸۲ و ۰/۸۵ به دست آمده است.

روش اجرای پژوهش

در این پژوهش پس از مراجعه به مراکز نگهداری و سرپناه شبانه منطقه ۱۲ شهر تهران دو مرکز انتخاب و از میان مراجعه‌کنندگان به این مراکز تعداد ۱۲۰ نفر از دخترانی که از خانه فرار کرده‌اند و به این مراکز مراجعه کرده و یا توسط گشت ارجاع داده شده بودند، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. پس از توجیه شرکت‌کنندگان در پژوهش در خصوص مراحل انجام تحقیق به منظور حفظ گم‌نامی شرکت‌کنندگان به هر شرکت‌کننده یک کد اختصاص داده شد همچنین از پرسیدن و کسب اطلاعات شخصی که خارج از روند پژوهش بود خودداری شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS، نسخه ۲۴ و روش آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد.

یافته ها

در این پژوهش میانگین سنی آزمودنی‌ها ۱۷/۸۵ سال و انحراف معیار آن ۱/۹۲ بود. همچنین در این پژوهش از ۱۲۰ شرکت‌کننده در پژوهش تعداد ۹۵ نفر دختران فراری بودند که از سایر شهرها به تهران آمده بودند و ۲۵ نفر دخترانی بودند که اطراف تهران و ساکن تهران بودند.

1 Gender Discrimination Incident Questionnaire
2 Klonoff & Landrine
3 Identity Style Questionnaire

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.14.4]

در جدول ۱، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل همبستگی پیرسون برای متغیرهای پیش‌بین تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی و متغیر ملاک یعنی درماندگی آموخته شده ارایه شده است.

جدول۱. جدول ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
درماندگی آموخته شده	۱								
رویداد تبعیض‌آمیز در طول زندگی	۰/۳۵۳**	۱							
رویداد تبعیض‌آمیز در طول یک سال گذشته	۰/۲۸۶**	۰/۴۲۱	۱						
تبعیض جنسیتی ادراک شده (کل)	۰/۳۶۰**	۰/۴۱۶	۰/۲۱۸*	۱					
سبک هویتی اطلاعاتی	-۰/۲۴۸**	-۰/۳۲۵**	-۰/۲۱۴	-۰/۳۱۲**	۱				
سبک هویتی هنجاری	-۰/۲۸۶**	-۰/۱۵۶	-۰/۱۱۲	-۰/۴۲۵*	۰/۱۴۵*	۱			
سبک هویتی اجتنابی/سردرگم	۰/۶۴۵**	۰/۴۱۷**	۰/۳۶۷	۰/۴۱۹	۰/۲۲۵	-۰/۳۱۶	۱		
تعهد هویت	-۰/۲۲۶**	-۰/۲۱۳	-۰/۴۱۱**	-۰/۶۷۴	-۰/۲۴۷	-۰/۱۶۲	-۰/۳۱۲*	۱	

با توجه به نتایج جدول ۲ بین تبعیض جنسیتی ادراک شده (رویداد تبعیض‌آمیز در طول زندگی و رویداد تبعیض‌آمیز در طول یک سال گذشته) و سبک هویتی اجتنابی/سردرگم با درماندگی آموخته شده رابطه مثبت و معنادار و بین سبک‌های هویتی اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت با درماندگی آموخته شده رابطه منفی و معناداری وجود دارد (**P<** ۰/۰۵).

قبل از انجام رگرسیون از آزمون کلموگروف- اسمیرنف برای سنجش نرمال بودن جهت انجام آمار پارامتریک استفاده شده است. سطح معناداری به دست آمده از آزمون کلموگروف-اسمیرنف برای متغیرهای درماندگی آموخته شده ۰/۱۱۳، تبعیض جنسیتی ادراک شده ۰/۰۹۸و سبک‌های هویتی ۰/۱۳۲ بزرگتر از ۰/۰۵ است (P< ۰/۰۵). بنابراین توزیع داده‌های مربوط به این متغیرها نرمال است و می‌توان برای تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها از آزمون پارامتریک استفاده نمود.

همچنین در این پژوهش عامل تورم واریانس همه متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ و در دامنه مطلوب بود (رویدادهای تبعیض‌آمیز در طول زندگی ۶/۷۹، رویداد تبعیض‌آمیز در طول یک سال گذشته۷/۳۸، سبک هویت اطلاعاتی ۷/۶۸، هنجاری ۶/۷۵، اجتنابی/ سردرگم ۷/۵۷ و تعهد هویت ۷/۷۸). شاخص تحمل نیز برای همه متغیرهای مستقل بیشتر از صفر و نزدیک به یک و در دامنه مطلوب بود (رویدادهای تبعیض‌آمیز در طول زندگی ۰/۴۵، رویداد تبعیض‌آمیز در طول یک سال گذشته۰/۳۶، سبک هویت اطلاعاتی ۰/۵۲، هنجاری ۰/۲۷، اجتنابی/ سردرگم ۰/۴۲و تعهد هویت ۰/۴۷). مقدار آماره دوربین واتسون نیز ۱/۸۵ به دست آمده است که در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بنابراین فرض استقلال بین خطاها یا عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته می‌شود.

جدول ۳. خلاصه تحلیل واریانس یک‌راهه

متغیر پیش‌بین	منبع تغییر	مجموعه مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
تبعیض جنسیتی ادراک شده (رویداد تبعیض‌آمیز در طول زندگی، رویداد تبعیض‌آمیز در طول یک سال گذشته) و سبک‌های هویتی (سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری، اجتنابی/سردرگم و تعهد هویت)	رگرسیون	۸۳۶/۱۶۳	۶	۱۳۹/۳۶۱	۲/۵۸۳	۰/۰۰۳
	باقی مانده	۶۰۹۵/۷۰۴	۱۱۳	۵۳/۹۴۴		
	کل	۶۹۳۱/۸۶۷	۱۱۹			

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.14.4]

جدول ۳، خلاصه تحلیل واریانس یک‌راهه پژوهش را نشان می‌دهد. معناداری F محاسبه شده نشان می‌دهد که درماندگی آموخته شده را می‌توان از روی متغیرهای تبعیض جنسیتی ادراک شده (رویداد تبعیض‌آمیز در طول زندگی، رویداد تبعیض‌آمیز در طول یک سال گذشته) و سبک‌های هویتی (سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری، اجتنابی/سردرگم و تعهد هویت) پیش‌بینی کرد. در جدول ۴ خلاصه مدل ارایه شده است.

جدول ۴. خلاصه مدل

R	R^2	ΔR^2	SE
۰/۶۸۵	۰/۵۲۳	۰/۳۲۴	۱/۱۲

طبق جدول ۴، تبعیض جنسیتی ادراک شده (رویداد تبعیض‌آمیز در طول زندگی، رویداد تبعیض‌آمیز در طول یک سال گذشته) و سبک‌های هویتی (سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری، اجتنابی/سردرگم و تعهد هویت) توانستند ۰/۵۲ درماندگی آموخته شده را در دختران با تجربه فرار از خانه پیش‌بینی کنند (P< ۰/۰۵). برای بررسی اینکه کدام یک از متغیرهای پژوهش پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای پیش‌بینی درماندگی آموخته شده هستند از آزمون رگرسیون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی درماندگی آموخته شده از طریق تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی

متغیرهای پیش‌بین	B	BETA	T	Sig
مقدار ثابت	۵۳/۶۹۷	-	۳/۴۵۵	۰/۰۰۱
رویداد تبعیض‌آمیز در طول زندگی	۰/۲۸۳	۰/۱۱۷	۵/۶۱	۰/۰۰۱
رویداد تبعیض‌آمیز در طول یک سال گذشته	۰/۱۲۶	۰/۱۰۴	۱/۳۶	۰/۰۰۴
سبک هویتی اطلاعاتی	-۰/۰۸۸	-۰/۰۷۸	-۰/۷۸۹	۰/۰۱۸
سبک هویتی هنجاری	-۳/۳۴۳	-۰/۰۹۲	-۲/۳۲۲	۰/۰۰۲
سبک هویتی اجتنابی/سردرگم	۴/۳۵۶	۰/۱۹۸	۳/۴۰۸	۰/۰۰۱
تعهد هویت	-۰/۴۱۲	-۰/۰۱۶	-۱/۴۱۲	۰/۰۶۱

طبق جدول ۵ برای تعیین سهم تفکیکی هریک از متغیرهای پیش‌بین یعنی تبعیض جنسیتی ادراک شده (رویداد تبعیض‌آمیز در طول زندگی، رویداد تبعیض‌آمیز در طول یک سال گذشته) و سبک‌های هویتی (سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری، اجتنابی/سردرگم و تعهد) در پیش‌بینی پراکندگی متغیر ملاک (خوددرماندگی آموخته شده) از ضریب بتا استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که رویدادهای تبعیض‌آمیز در طول زندگی با ضریب بتای ۰/۱۱، رویداد تبعیض‌آمیز در طول یک سال گذشته با ضریب بتای ۰/۱۰، سبک سبک هویتی اطلاعاتی با ضریب بتای ۰/۰۷-، سبک هویتی هنجاری با ضریب بتای ۰/۰۹- و سبک هویتی اجتنابی/سردرگم با ضریب بتای ۰/۱۹ می‌توانند درماندگی آموخته شده را پیش‌بینی کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی در پیش‌بینی درماندگی آموخته شده در دختران با تجربه فرار از خانه انجام شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی با درماندگی آموخته شده در دختران با تجربه فرار از خانه رابطه وجود دارد. تبعیض جنسیتی ادراک شده می‌تواند درماندگی آموخته شده را پیش‌بینی کند. نتایج این یافته‌ها یا پژوهش‌های پری و همکاران (۲۰۱۳)، پاسکو و همکاران (۲۰۰۹)، ویجود و راچون (۲۰۲۰)، کانو و همکاران (۲۰۲۱)، سانچز و همکاران (۲۰۲۰)، بیگم‌موسوی و همکاران (۱۴۰۰)، یعقوبی هشچین و الهی (۱۳۹۲) و کربلایی و کرمی (۱۳۹۸) همسو است.

فرار دختران از منزل، به عنوان ساز و کاری دفاعی با واکنش جبرانی و رهایی‌بخش مطرح است. نوجوان به سبب رهایی از رنج درون منزل خود به خیابان پناه می‌برد (رشیدی‌اصل، کوکلی، میرخانی و شاهانی، ۱۳۹۹). گاهی فرار دختران از خانه به واسطه تبعیض‌های

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.14.4]

جنسیتی در محیط خانه اتفاق می‌افتد. و فرزندان به واسطه جنسیت و حساسیت فرهنگی و اجتماعی که در خصوص آنها ایجاد شده است مورد غفلت و یا آسیب قرار می‌گیرند. تبعیض جنسیتی به عنوان یک منبع استرس شایع در جامعه وجود دارد و صدمات زیادی را به سلامت روان زنان وارد می‌کند (یعقوبی‌هشچین و الهی، ۱۳۹۲). زنان و دخترانی که سطح بالایی از تبعیض جنسیتی را تجربه می‌کنند مشکلات روان‌شناختی بیشتری را گزارش می‌کنند. احساس تبعیض منجر به شکل‌گیری واکنش‌های خلقی منفی در زنان می‌شود. دخترانی که تحت تبعیض از سوی خانواده و یا فرهنگ خود قرار گرفته‌اند در هنگام مواجه با تنش یا رویدادی تنش‌زا واکنش‌های هیجانی از خود نشان می‌دهد و گاهی با حالات خلقی منفی و با ناامیدی با مشکلات مواجه می‌شوند (پری و همکاران، ۲۰۱۳). این افراد نمی‌توانند خود را به عنوان فردی که توانایی مواجه با تنش‌ها و مشکلات را دارد بپذیرند و از این نظر احساس درماندگی دارند. همچنین بین سبک‌های هویتی با درماندگی آموخته شده در دختران با تجربه فرار از خانه رابطه وجود دارد. سبک‌های هویتی، اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی/سردرگم می‌توانند درماندگی آموخته شده را پیش‌بینی کنند. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهشی زمانی و همکاران (۱۳۹۹)، شمس‌اسفندآباد و همکاران (۱۳۹۰)، گلابی و قادری (۱۳۹۶)، حسین‌رقی و میرهاشمی (۱۳۹۵)، طاهری و همکاران (۱۳۹۲)، رحیمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴)، وزیری و لطفی کاشانی (۱۳۹۱)، حسین‌زاده و سپاه‌منصور (۱۳۹۰)، تنهای رشوانلو و همکاران (۱۳۹۱)، اسزابو و وارد (۲۰۱۵) و برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) همسو است.

افراد بخش عظیمی از سبک هویتی خود را ضمن ارتباط با والدین و در محیط خانه کسب می‌کنند. ضمن این ارتباط درون‌خانوادگی افرادی که سبک هویت آنها اطلاعاتی است ساختار هویت خود گشوده دارند و به صورت آگاهانه و فعال به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آنها می‌پردازند و سپس اطلاعات مناسب را مورد استفاده قرار می‌دهند و زمانی که با بازخوردهای ناهماهنگ روبرو می‌شوند به جای ناامیدی و ایجاد تنش روانی تمایل به آزمون، گشودگی نسبت به تجربه، تجدیدنظر و انطباق ساختار هویت خود با اطلاعات و شرایط جدید را دارند (برزونسکی، ۲۰۰۸). به همین سبب این افراد کمتر درگیر درماندگی آموخته می‌شوند و به مشکلات روان‌شناختی مبتلا می‌شوند. همچنین افراد دارای سبک هویت هنجاری نیز تمایل کمی به پذیرش افکار و عقاید مخالف خود دارند از این‌رو این افراد تحمل کمی برای مواجه شدن با موقعیت‌های مبهم و مخالف با عقاید خود دارند به آسانی برآشفته می‌شوند و در برابر تغییر مقاومت می‌کنند. با توجه به اینکه این افراد دیدگاهی متعصبانه نسبت به ارزش‌های خود دارند لذا در شرایط تنش‌زا نیز به آسانی با دیدگاه‌های پذیرفته شده خود واکنش نشان می‌دهند و موقعیت‌های مختلف نمی‌تواند این افراد را دچار درماندگی کند زیرا این افراد دیدگاه‌های خود را از افراد صاحب قدرتی دریافت کرده‌اند که در مواجه با شرایط دشوار نیز با آنها مشورت می‌کنند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۵). اما افراد دارای سبک هویت سردرگم/ اجتنابی راهبردهای مقابله‌ای مبتنی بر هیجان دارند. این افراد تعهدی در قبال انتخاب‌های هویت خود ندارند و فقط در صورتی که شرایط بیرونی به آنها چیزی را تحمیل کند آن را با جدیت دنبال می‌کنند. این افراد به دلیل هیجان‌محور و فاقد برنامه‌ریزی بودن اغلب در شرایط تنش‌زا با هیجان واکنش نشان می‌دهند و نمی‌توانند عملکرد معقول و مناسبی نشان دهند به همین دلیل اغلب در مواجه با شرایط دشوار احساس درماندگی و عدم خودکارآمدی دارند (برزونسکی، ۲۰۰۸).

نتایج پژوهش حاضر نشان داده است که، بین تبعیض جنسیتی ادراک شده و سبک‌های هویتی با درماندگی آموخته شده در دختران با تجربه فرار از خانه رابطه وجود دارد و می‌توان درماندگی آموخته شده را از طریق تبعیض جنسیتی ادراک شده، سبک‌های هویتی، اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی/سردرگم پیش‌بینی کرد.

این مطالعه محدود به دختران نوجوان مراجعه‌کننده به مراکز نگهداری و سرپناه شبانه شهر تهران منطقه ۱۲ محله شوش بود و پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های پیش‌رو بر روی دختران و نوجوانان عادی نیز صورت گیرد.پژوهش حاضر دارای برخی محدودیت‌ها است که باید هنگام تفسیر و تعمیم‌دهی به گروه‌های دیگر در نظر داشت. این پژوهش در زمان اپیدمی کووید-۱۹ انجام گرفته بود و امکان سنجش نمونه به صورت تصادفی وجود نداشت و شرکت‌کنندگان در پژوهش با شرط عدم ابتلا به بیماری کرونا در پژوهش شرکت داده شدند که این گزارش در نتیجه بهیار و پزشک مراکز بود. همچنین در پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه داده‌های پژوهش جمع‌آوری شدند و امکان کنترل سایر عوامل همچون سابقه رفتارهای پرخطر و ضدقانونی در سایر اعضای خانواده، هوش و سابقه مشکلات سایکوتیک در میان نزدیکان وجود نداشت و پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی بررسی این عوامل مورد توجه قرار گیرد.

تضاد منافع: پژوهش حاضر بدون هیچ‌گونه حمایت مالی از جانب سازمان خاصی صورت گرفته است و نتایج آن برای نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافعی ندارد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.14.4]

منابع

بیگم‌موسوی، ز.، نعلبندیان‌ابهر، م.، ایوبلو، ز.، و یوسفیان، ف (۱۴۰۰). نقش سبک‌های دلبستگی، انسجام خانواده و تبعیض جنسیتی ادراک شده در پیش بینی سخت‌رویی روان‌شناختی در زنان دارای ازدواج با فاصله سنی معکوس. *رویش روانشناسی*، ۱۰، ۱، ۱۳۳-۱۴۴.

تنهای رشوانلو، ف.، کرامتی، ر.، و سعادتی شامیر، ا (۱۳۹۱). خوش بینی و عزت نفس در نوجوانان دختر:: نقش سبک‌های هویتی.*روانشناسی کاربردی*، ۶، ۲، ۷۳-۹۰.

حسین زاده، ع.ا.، و سپاه منصور، م (۱۳۹۰). رابطه حمایت اجتماعی و عزت نفس با سبک های هویتی دانشجویان. *پژوهش های روانشناسی اجتماعی*، ۱، ۱، ۷۴-۸۸.

حسین‌شرقی، ع.، و میرهاشمی، م (۱۳۹۵). ارتباط سبک‌های هویت و جهت‌گیری مذهبی با سلامت عمومی دانشجویان. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۱،۶، ۷۷-۹۰.

شمس اسفندآباد، ح.، کاکاوند، ع. ر.، و ترابی، ز (۱۳۹۰). رابطه سبک های هویتی دلبستگی و سبک های هویتی با سلامت روان و پیشرفت تحصیلی. *اندیشه های نوین تربیتی*، ۷، ۲، ۱۰۵-۱۲۶.

رحیمی‌نژاد، ع.، رحیمی جعفری، م.، و سلامتی، پ (۱۳۹۴). رابطه سبک‌های هویتی با بهزیستی روان‌شناختی، اجتماعی و هیجانی: نقش واسطه‌ای تعهد و پذیرش هویت دینی. *پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، ۶، ۴، ۹۵-۱۱۲.

رشیدی‌اصل، ح.، کوکلی، م.، میرخانی، س. ر.، و شاهانی، سمیه (۱۳۹۹). نقش اجتناب تجربی و دشواری در تنظیم هیجان در پیشبینی رفتارهای آسیب به خود در دختران نوجوان با سابقه فرار از منزل. *رویش روانشناسی*، ۹ (۱۱)، ۳۵-۴۴.

زمانی، ص.، هادیان، ع.، و گرجی، ی (۱۳۹۹). پیش بینی سلامت روان بر اساس سبک های هویت، روابط والد کودک و نگرش مذهبی نوجوانان دختر. *خانواده‌درمانی کاربردی*، ۱، ۲، ۲۳-۴۷.

طاهری، م.، یاریاری، ف.، صرامی، غ.ر.، و ادیب منش، م (۱۳۹۲). رابطه بین سبک هویت، شادکامی و بهزیستی روان شناختی در دانشجویان. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۴، ۱، ۷۲-۸۲.

غضنفری، ا (۱۳۸۳). اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت. *پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۵، ۱*، ۸۱-۹۴.

قلی‌زاده، ز.، بخشی‌پور، پورودسری، ع.، و باباپورخیرالدین، ج (۱۳۸۶). بررسی عوامل شخصیتی، محیطی و سبک حل مساله بر فرار دختران ۱۲-۱۸ از منزل. *روانشناسی کاربردی*، ۱، ۴، ۷۱-۷۹.

کربلایی، م.، و کرمی، ج (۱۳۹۸). پیش بینی خودکارآمدی بر اساس تاب آوری، تبعیض جنسیتی ادراک شده و طرحواره های نقش جنسیتی زنان. *پژوهش های روان شناسی اجتماعی*، ۹، ۳۶، ۷۳-۸۸.

گلابی، ا.، و قادری، ز (۱۳۹۶). سبک هویت و درماندگی آموخته شده در مردان متأهل معتاد. *روانشناسی معاصر*، ۱۲، ۱۴۶۰-۱۴۶۴.

میرنسب، م.م.، و قره آغاجی، س (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای جهت‌گیری هدف و درماندگی آموخته شده در رابطه بین نظریه‌های ضمنی هوش و پیشرفت تحصیلی. *آموزش‌پژوهی*، ۱، ۱، ۱-۱۳.

وزیری، ش.، و لطفی کاشانی، ف (۱۳۹۱). سبک های هویت و پریشانی روانی. *اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۷ ، ۲۶، ۷۷-۸۶.

هاشمی، س. ض.، فاطمی‌امین، ز.، و فولادیان، مجید (۱۳۹۰). پیامدهای فرار دختران از منزل. *رفاه اجتماعی*، ۱۱ (۴۰)، ۱۶۱-۱۸۷.

یعقوبی هشجین، ف.، حسنی، ج.، و کاظمی، م (۱۳۹۲). بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخه فارسی پرسش‌نامه رویدادهای تبعیض جنسیتی. *پژوهش-های روان‌شناسی اجتماعی*، ۳، ۱۱، ۱۰۹-۱۲۵.

Ames, M. A. (1990). *Childhood abuse, learned helplessness and risky lifestyle: A model of revictimization in women* (Doctoral dissertation, Indiana University).

Bem, S. L. (1981). A manual for the Bem sex role inventory. *California: Mind Garden*.

Berzonsky, M. D. (2008). Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences*, *44*(3), 645-655.

Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. *Personality and individual differences*, *39*(1), 235-247.

Berzonsky, M. (1992). Identity style and coping strategies. *Journal of Personality*,60 (4), 771-788.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.14.4]

Carliner, H., Sarvet, A. L., Gordon, A. R., & Hasin, D. S. (2017). Gender discrimination, educational attainment, and illicit drug use among US women. *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*, *52*(3), 279-289.

Cano, M. Á., Schwartz, S. J., MacKinnon, D. P., Keum, B. T., Prado, G., Marsiglia, F. F., ... & de Dios, M. A. (2021). Exposure to ethnic discrimination in social media and symptoms of anxiety and depression among Hispanic emerging adults: Examining the moderating role of gender. *Journal of clinical psychology*, *77*(3), 571-586.

Edinburgh, L. D., & Saewyc, E. M. (2009). A novel, intensive home-visiting intervention for runaway, sexually exploited girls. *Journal for specialists in pediatric nursing*, *14*(1), 41-48.

Ezzedine, L., & Poyrazli, S. (2020). Perceived ethnic discrimination, race-related stress, and coping styles. *International Journal of Educational Research Open*, 1, 100017.

Filippello, P., Harrington, N., Costa, S., Buzzai, C., & Sorrenti, L. (2018). Perceived parental psychological control and school learned helplessness: The role of frustration intolerance as a mediator factor. *School Psychology International*, *39*(4), 360-377.

Glick, P., Fiske, S.T. (1996). The Ambivalent Sexism Inventory: Differentiating hostile and benevolent sexism. *Journal of Personality and Social Psychology*,70(3), 491-512.

Klonoff, E. A., & Landrine, H. (1995). The Schedule of Sexist Events: A measure of lifetime and recent sexist discrimination in women's lives. *Psychology of Women Quarterly*, *19*(4), 439-470.

Kroger, J. (*2010*). *Identity Development: Adolescence through Adulthood*, 2nd ed. Newbury Park, CA: Sage.

Landry, N., Gifford, R., Milfont, T. L., Weeks, A., & Arnocky, S. (2018). Learned helplessness moderates the relationship between environmental concern and behavior. *Journal of Environmental Psychology*, *55*, 18-22.

Nelson, T. D. (2009). *Handbook of prejudice, stereotyping, and discrimination*. Psychology Press.

Pascoe, E. A., & Smart Richman, L. (2009). Perceived discrimination and health: a meta-analytic review. *Psychological bulletin*, *135*(4), 531.

Perry, B. L., Harp, K. L., & Oser, C. B. (2013). Racial and gender discrimination in the stress process: Implications for African American women's health and well-being. *Sociological Perspectives*, *56*(1), 25-48.

Quinless, F.W., & Nelson, M.A.M. (1988). Development of a measure of learned helplessness. *Nursing Research*, *37*(1), 11-15.

Sanchez, D., Smith, L. V., & Adams, W. (2018). The relationships among perceived discrimination, marianismo gender role attitudes, racial-ethnic socialization, coping styles, and mental health outcomes in Latina college students. *Journal of Latina/o Psychology*, *6*(1), 1.

Sutherland, K. S., Singh, N. N., Sutherland, K. S., Conroy, M., & Stichter, J. P. (2004). Learned helplessness and students with emotional or behavioral disorders: Deprivation in the classroom. *Behavioral Disorders*, *29*(2), 169-181.

Szabo, A., & Ward, C. (2015). Identity development during cultural transition: The role of social-cognitive identity processes. *International Journal of Intercultural Relations*, *46*, 13-25.

Szabó, Á., & Ward, C. (2020). The relationship between intercultural abilities and cultural identity styles: A longitudinal cross-lagged analysis. *International Journal of Psychology*, *55*(3), 465-471.

Vigod, S. N., & Rochon, P. A. (2020). The impact of gender discrimination on a Woman's Mental Health. *EClinicalMedicine*, *20*.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.11.14.4]